

۵۱

۱

آیا ضیاء از جمله سلام  
از دیدار دیر زمان سلام که سه خاطرات آن لطفاً راه دور را تحمل کرده است  
اسید دارم خسته نباشد.

و اما همراه این نامه ۱۵۳ را که نزدش گزینم بستم بدستم (صفت مایل آفر را)  
بار فوگتس از تجربه از نامه دو قسم در حال که همان در فروردین است بر آستان  
می فرستم. دلم میخواستند خاطرات او را که در آن روز این ترسناک ثبت کنم.  
کجا؟ بنده نهادم. شاید آن وسطاً. چون در پایان دفتر رو صمیمی  
لقد در می آید. تا نظر شود چه باشد.

ضمناً لستم گزینم سر "ای بی تو در است..." را که با یک یا سینه  
لقد در صدر من از زندگی (منخوان ندارد) در صفت کم بنا درم (بجای که اسید و اول  
منت من قسم. به هر حال من از "مما پردارند..." پاراگراف  
در نظر آغاز می شود. گاهی نویسنده در کمالش هنگامه که کردان  
مانده "نظم ای مسکنه بالدار ضیال و خاطره می سپرد..."

از زخمی که بر آن ماندن این خاطره به عهدی گرفته اند بسیارم

راه  
۲۵ اکتبر ۱۹۸۹